

بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه

محمد جواد نجفی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۰

رضا معصومی راد^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲

مظفرالدین شهبازی^۳

چکیده

مشارکت سیاسی برای حکومت، دارای منافع عملی ویژه ای است که فقدان آن به سامان سیاسی و اهداف بلندمدت آن زیان وارد می کند و بنابراین لازم است مورد توجه قرار گیرد. با توجه به اهمیت بحث از مشارکت سیاسی، پژوهش حاضر با استفاده از روش میدانی، تکنیک پیمایش، ابزار پرسشنامه و استفاده از نرم افزارهای SPSS و Smart PLS، به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می باشد که آیا بین ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد؟ جامعه آماری پژوهش حاضر شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه می باشد که ۳۸۴ نفر از آنها به عنوان حجم نمونه مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان کل اعتماد اجتماعی (۰/۳۸) و ابعاد آن یعنی اعتماد بنیادین (۰/۳۹)، اعتماد غیررسمی (۰/۳۲)، اعتماد نهادی (۰/۴۲) و اعتماد تعمیم یافته (۰/۳۴) با مشارکت سیاسی شهروندان ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار وجود دارد. بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش تأیید می شوند. نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان دادند که در کل اثر متغیر مستقل اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان به میزان ۰/۵۳ می باشد.

کلیدواژگان: اعتماد اجتماعی، مشارکت، مشارکت سیاسی، شهر کرمانشاه.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران .

^۲ استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، ایران .

^۳ استادیار گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه زنجان، ایران .

امروزه در بسیاری از کشورها، ابتکارات گسترده‌ای در جهت دخالت دادن شهروندان در روند حاکمیت و تصمیم‌گیری‌های حکومتی بوجود آمده است. اصول این ابتکارات مبتنی بر مشارکت شهروندان در یک دموکراسی سالم است تا بدین وسیله، درک بهتری از جامعه در میان مردم حاکم شود. یک دموکراسی پویا بستگی به فعالیت شهروندان در عرصه‌های سیاسی دارد (نوروزی، ۱۳۹۹: ۱۲). مشارکت سیاسی برای حکومت، دارای منافع عملی ویژه‌ای است که فقدان آن به سامان سیاسی و اهداف بلندمدت آن زیان وارد می‌کند. اگر خرده نظام سیاسی زمینه‌ی لازم به منظور حضور گسترده و واقعی تر مردم را فراهم نکند، قدرت به سمت شخصی شدن میل پیدا می‌کند و نظام مردم سالاری رو به افول خواهد گذاشت.

هر قدر مشارکت سیاسی مردم کم‌رنگ تر شود همان قدر از مشروعیت حکومت و نیز از اقتدار آن کاسته می‌شود، چون مشارکت سیاسی و مشروعیت، لازم و ملزوم یکدیگرند، اگر مشارکت سیاسی مردم از بین برود و مردم از حکومت فاصله بگیرند، این نظام حکومتی، مشروعیت و اقتدار قانونی خود را از دست می‌دهد. به همین دلیل پدیده‌ی روند مشارکت سیاسی برای آینده نظام اجتماعی ایران بسیار مهم ارزیابی می‌شود و شناخت عوامل مرتبط با آن ضروری است (مصطفی پور و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۰).

از جمله عوامل مرتبط با مشارکت سیاسی اعتماد اجتماعی می‌باشد. اعتماد اجتماعی پدیده‌ای است که تسهیل‌گر روابط انسانی است و بنیاد شکل‌گیری روابط اجتماعی و توسعه‌ی یک جامعه است و کاهش یا افزایش آن می‌تواند تأثیر بسیار زیادی بر ساختارهای مختلف جامعه و روابط اجتماعی مردم آن داشته باشد. به همین دلیل، در دهه‌های اخیر این موضوع نظر بسیاری از نظریه پردازان مطرح علوم اجتماعی را به خود جلب کرده است (وثوقی و حیدری، ۱۳۹۰: ۱۶۲). در جوامعی که اعتماد بالایی وجود دارد، مسئولیت‌پذیری بیشتری در سطوح پایین جامعه دیده می‌شود و در جوامعی که اعتماد کمتری وجود دارد، به نوعی فرار از مسئولیت بیشتر به چشم می‌خورد (اردن و اردن^۱، ۲۰۰۹: ۲۱۸۰).

رابطه‌ی اعتماد متقابل در تعاملات اجتماعی با مشارکت تا بدان حد است که می‌توانیم بگوئیم که اگر اعتماد در میان اعضای جامعه نباشد و یا اندک باشد تعاملات و روابط میان افراد جامعه از تنظیم خارج می‌شود و روابط پایدار میان اعضای جامعه کمتر برقرار می‌شود. در این بین وجود اعتماد و مشارکت متقابل بر شکل‌گیری تعاملات و تداوم آن امری ضروری به نظر می‌رسد و در مقابل فقدان آنها روابط میان افراد را بدان سوی متمایل می‌سازد که هر کسی تنها به طور افراطی در اندیشه نفع شخصی خویش باشد و به منافع همگانی کمتر عنایت کند (ازکیا و حسنی راد، ۱۳۸۸: ۱۰). زمانی که هر کس منافع خویش را بدون توجه به منافع دیگران و مجموعه قواعد مشترک پذیرفته شده می‌خواهد دنبال کند، پیوندهای مشترک و با دوام میان افراد متزلزل می‌گردد و بنابراین سطح مشارکت تنزل پیدا می‌کند. بنابراین با توجه به توضیحات داده شده بررسی ارتباط بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی مسئله‌ای مهم و قابل بررسی است و پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اصلی می‌باشد که آیا بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد؟

شهر کرمانشاه جامعه‌ای با گوناگونی و شکاف‌های اجتماعی بسیار با ساختار موزایک‌گونه می‌باشد، گوناگونی قومی و زبانی و فرهنگی، گوناگونی مذهب و دین (در این شهر کرد، لک، لر، فارس و ترک با مذاهب شیعه، سنی، اهل حق زندگی می‌کنند) و همچنین تفاوت‌های طبقاتی و اقتصادی سبب شده است که اقوام و مذاهب برای سهم شدن در ساختار قدرت و سیاست از انواع سرمایه در اختیار خود استفاده کنند که گاه به مشارکت سیاسی به شکل قومی و گاه

1. Erden and Erden

مذهبی روی آورند و گاه به انتخاب شایسته سالارانه تن در دهند. در این پژوهش برای سنجش جایگاه افراد در فضای اجتماعی از سرمایه اجتماعی استفاده می شود. جمع ابعاد مختلف این سرمایه، نوع و ترکیب آنها، جایگاه افراد در فضای اجتماعی تعیین می کند. این جایگاه ها منشا تفاوت در سلیقه ها و موضع گیری های فرد است. جایگاه افراد همان قدر که به وزن نسبی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی وابسته است، به ترکیب آنها نیز بستگی دارد و بنابراین بررسی ارتباط آن با مشارکت سیاسی مسئله ای اساسی است.

۲- پیشینه پژوهش

۱- ۲- تحقیقات داخلی

- جهانی نیا (۱۴۰۰) پژوهشی را با عنوان «واکاوی رابطه سرمایه اجتماعی با توسعه سیاسی- مشارکت سیاسی در بین کارکنان ودانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان» به انجام رساند. نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داد که که رابطه همبستگی بین دو متغیر سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی با ضریب در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد قبول است. همچنین نتایج آزمون اسپیرمن نشان داد که بین بعد مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی ارتباط معناداری وجود دارد.

- شوهانی و شوهانی (۱۳۹۸) پژوهشی را با عنوان «سنجش و تحلیل میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مردم (مطالعه موردی: شهر ایلام)» به انجام رساندند. روش تحقیق در این پژوهش، بر اساس موردی و از سنخ توصیفی- همبستگی بوده و مبتنی بر پیمایش است. نتایج نشان دادند که میان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. از طرفی بین شبکه های روابط اجتماعی میان مردم، اعتماد اجتماعی و انسجام و همبستگی اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

- باقری و دیگران (۱۳۹۷) پژوهشی را با عنوان «بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، احساس بی قدرتی، وفاق اجتماعی، پیوند اجتماعی) بر مشارکت سیاسی زنان استان خوزستان (مطالعه موردی: شهر اهواز)» به انجام رساندند. نتایج تحقیق نشان می دهد که متغیرهای مستقل پژوهش (سن، درآمد، تحصیلات، قومیت، وضعیت تأهل، سرمایه ی اجتماعی، اعتماد اجتماعی، احساس بی قدرتی، وفاق اجتماعی و پیوند اجتماعی) با متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) رابطه ی معناداری دارند. در مجموع متغیرهای مستقل پژوهش ۱۴/۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده اند و ۸۵/۷ درصد از واریانس تبیین نشده متعلق به متغیرهایی است که در این پژوهش مورد استفاده قرار نگرفته اند.

- عبداللهیان و کرمانی (۱۳۹۴) در تحقیقی به «تبیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی فیس بوک و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی» پرداختند. براساس نتایج، افزایش سرمایه اجتماعی کاربران در فیس بوک، موجب افزایش مشارکت سیاسی آن ها در جهان واقعی می شود. همچنین از میان شاخص های سرمایه اجتماعی، باز یا بسته بودن شبکه دوستان، باز یا بسته بودن شبکه های گروه ها و صفحه ها، تراکم شبکه و شرایط دستیابی به منابع، چهار شاخص تبیین کننده مشارکت سیاسی کاربران هستند.

- سبزه ای و رحیمی (۱۳۹۲) پژوهشی را با عنوان «بررسی رابطه میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان (مطالعه موردی: شهر ایلام)» به انجام رساندند. نتایج تحقیق نشان می دهد بین متغیرهای اعتماد فردی، اعتماد نهادی، جنس و مشارکت اجتماعی رابطه مثبت معنادار وجود دارد. بیشترین میزان مشارکت مربوط به مردان و شاغلین است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان می دهد که اعتمادی نهادی و جنس بیشترین میزان تأثیر را بر مشارکت اجتماعی دارد.

۲- ۲- تحقیقات خارجی

- تنی و هانکوینت^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «مشارکت سیاسی بالا، سرمایه اجتماعی بالا» به بررسی ارتباط سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی با استفاده از روش‌های همبستگی و رگرسیون چند متغیره به بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین جوانان بلژیک می‌پردازند. آن‌ها جوانان بلژیکی را به شش گروه، اصلی طبقه‌بندی می‌کنند که از میان این شش گروه دو طبقه از آن‌ها یعنی متعهدین و دین‌داران فعالیت سیاسی بیشتری داشتند. یافته هانشان دادند با افزایش سرمایه اجتماعی مشارکت سیاسی افزایش پیدا می‌کند.

- جمنا و کارلرو^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «ارزش‌ها و مشارکت سیاسی دانشجویان» بر روی گروهی از دانشجویان در رومانی نشان دادند که میزان رأی در انتخابات کشور در دانشجویانی که تمایل به فعالیت‌های مذهبی دارند، به شکل معناداری بسیار بالاتر از افرادی است که هرگز مشارکت مذهبی نداشته‌اند.

- نیگارد^۳ و دیگران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای با عنوان «آیا سرمایه اجتماعی مشارکت سیاسی را در بزرگسالان میانسال افزایش می‌دهد؟ تحلیل چند سطحی از بزرگسالان فنلاند و سوئد» به دنبال این است که اهمیت سطح فردی و سطح زمینه‌ای را در سرمایه انسانی و در انواع مختلف مشارکت سیاسی میان افراد میانسال در چارچوب کشورهای اسکاندیناوی بررسی کند و برای این امر به نظرسنجی از افراد میانسال سوئد و فنلاند پرداخته است. نتایج تحقیقات وی نشان می‌دهد که افرادی که در سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی به صورت داوطلبانه عضویت داشته و به آنها اعتماد بالا دارند، تمایل بیشتری به مشارکت در مشارکت سیاسی دارند و البته منطقی و تفکر هر کدام از این افراد در این مورد و نوع مشارکت‌شان متفاوت بوده است.

- سو^۴ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «همبستگی میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی: با در نظر گرفتن توسعه ملی، اقتصادی، سیاسی و نابرابری اقتصادی» بر آن است تا همبستگی میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی را نشان دهد و روابط میان این متغیرها در سطح کلان مانند توسعه سیاسی و اقتصادی، نابرابری نشان می‌دهد. علاوه بر این، سو از تعامل میان متغیرهای کلان و سرمایه اجتماعی را به منظور نشان‌دهنده تاثیر تعدیل‌کننده متغیرهای کلان استفاده کرده است. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که سرمایه انسانی که از شاخصه‌های عمومی اعتماد، اطمینان به دولت و مشارکت عمومی است با مشارکت سیاسی در نهادها (مانند رأی دادن) یا غیر نهادها (شرکت در راهپیمایی‌های صلح‌آمیز و...) ارتباط دارد. متغیرهای کلان نشان‌دهنده وجود تاثیر میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی هستند و تغییر سریع در ارزش‌های عمومی منجر به مشارکت و فعالیت افراد می‌شود. همچنین همبستگی سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی وابسته به زمینه‌های اجتماعی است.

- هافمن و دود^۵ (۲۰۱۴) ضمن تحقیقی با عنوان «مذهب، جنسیت و مشارکت سیاسی در آفریقا که در زمینه بررسی ارتباط نگرش مذهبی (اسلام و مسیحیت) با میزان مشارکت سیاسی سه کشور نیجریه، اوگاندا و سنگال» به عمل آوردند، با نمونه‌ای متشکل از ۳۶۰۰ آزمودنی به این نتیجه رسیدند که افراد دارای جهت‌گیری مذهبی از نظر شناختی در حد بالایی قرار دارند و دین و مذهب تأثیر قابل ملاحظه‌ای در کنش سیاسی این افراد می‌گذارد. همچنین طبق یافته‌ها، هر دو مذهب اسلام و مسیحیت افراد را به مشارکت در امور اجتماعی فرا می‌خواند اما مشارکت در بین افراد مسلمان بیشتر از افراد مسیحی بوده است.

1. Teney & Hanquinet

2. Jemna & Curelaru

3. Nygard

4. Suh

5. Hoffman & Dowd

- اسکوریک^۱ و دیگران (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان «سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در سنگاپور» به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی پرداخته اند. آنها در پژوهش خود این مسئله را بررسی کرده اند که آیا شبکه های اجتماعی می توانند راه را برای احیای مشارکت سیاسی هموار کنند. نتیجه گیری آنها این بود که شواهدی وجود دارد که شبکه های اجتماعی با مشارکت سیاسی ارتباط زیادی دارد.

- یافته های پژوهش اوسلانر و براون^۲ (۲۰۰۳) در زمینه ی نابرابری، اعتماد و مشارکت مدنی با استفاده از داده های ایالتی آمریکا در دهه های ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نشان داد که نابرابری موجب بی اعتمادی می شود؛ نابرابری عمدتاً به صورت غیر مستقیم و از طریق اعتماد بر مشارکت تأثیر می گذارد.

- نتایج به دست آمده از پژوهش ریزر^۳ و همکارانش (۲۰۰۱) نشان داد که بین اعتماد تعمیم یافته، اعتماد به افرادی غیر از دوستان و خویشاوندان و دوستان نزدیک، اعتماد به نهادهای عمومی و انجمن های مشارکتی رابطه ی مستقیمی هست.

۳- مبانی نظری

۱-۳ - نظریه های مشارکت سیاسی

پری^۴ تبیین های مشارکت را به دو نوع نظریه های ابزاری و نظریه های تکاملی تقسیم می کند: نظریه های ابزاری، مشارکت را وسیله ای برای یک هدف یعنی برای دفاع یا پیشبرد یک فرد یا گروهی از افراد و سری در برابر جباریت و استبداد در نظر می گیرند. بنابراین نظریه پرداز ابرازگرا استدلال می کند که افراد بهترین داور منافع خودشان هستند، حکومتی که مردم در آن مشارکت داشته باشند، کارآمدتر است، افرادی که از تصمیمات تأثیر می پذیرند، حق دارند در گرفتن تصمیمات شرکت داشته باشند و مشروعیت و حکومت بر مشارکت استوار است. بنابراین وارثان نهایی نظریه ابزاری، فایده گرایان و کثرت گرایان هستند (جهانی نیا، ۱۴۰۰: ۶۳-۶۲). نظریه تکاملی استدلال می کند که شهروند آمرمانی یک شهروند مشارکت کننده است و بنابراین مشارکت، اعمال مسئولیت اجتماعی در نظر گرفته می شود. مشارکت یک تجربه یادگیری است که شهروندان را نه تنها آگاه از حقوق خود بلکه آگاه از وظایف و مسئولیتهايش پرورش می دهد. چنین دیدگاهی در نوشته های ارسطو، جان استوارت میل، دوتوکویل و روس یافته می شود و نیز بخش مهم از اندیشه های محافظ کارانه و سوسیالیستی است. اما برای محافظ کار، تأکید بر فرد شهروند مسئول و بنابراین بر عمل فردی، و برای سوسیالیست ها تأکید بر مسئولیت جامعه در قبال فرد و بنابراین بر عمل جمعی است (ربیع، ۱۳۸۰: ۳۸-۳۶).

هانتینگتون و نلسون^۵ در مدل خود به مشارکت در نظام سیاسی توجه ویژه ای مبدول داشته اند. به نظر آنها دو عامل اساسی در افزایش مشارکت سیاسی افراد جامعه دخالت دارند یکی نخبگان و دیگری توسعه اقتصادی - اجتماعی است. نخبگان جامعه برای بقا خود در مسند قدرت اقتصادی و اجتماعی نیز به دو صورت باعث مشارکت سیاسی افراد میشود. اول اینکه باعث تحرک اجتماعی افراد جامعه شده و در پی آن کسب منزلت های بالاتر و احساس کارایی سیاسی را در افراد جامعه موجب می شود که در نهایت این فرایند فرد را به مشارکت سیاسی بیشتر رهنمون میکند. دوم اینکه توسعه اقتصادی - اجتماعی موجبات انسجام و تضاد گروهی را فراهم کرده که این مسأله باعث افزایش آگاهی گروهی و دخالت بیشتر افراد در فعالیتهای سازمانی و در نهایت مشارکت سیاسی می شود. به نظر این دو محقق در دراز مدت میتوان بین

1. Skoric

2. Uslaner & Brown

3. Raser

4. Perry

5. Huntington and Nelson

این متغیرها و مشارکت سیاسی رابطه قابل قبولی برقرار کرد و در کوتاه مدت متغیرهای دیگری چون مهاجرت، علائق مذهبی و غیره مطرح می‌شود. بطور کلی از نظر هانتینگتون و نلسون مهمترین متغیرهای تأثیرگذار در مشارکت سیاسی عبارتند از وضعیت اقتصادی-اجتماعی، عضویت در اتحادیه، احزاب و انجمنهای مختلف حزبی و غیرحزبی، آگاهی حزبی و گروهی، وابستگی به گروههای قومی و مذهبی، سطح آموزش، جنسیت، نوع اجتماع (مشارکت بیشتر اجتماع شهری نسبت به اجتماع روستایی) و و منزلت اجتماعی (هانتینگتون و نلسون، ۱۹۷۶: ۱۶۳).

براون معتقد است که عوامل مختلفی باعث مشارکت انتخاباتی مردم میشوند. این عوامل تأثیرگذار عبارتند از: خانواده-محل سکونت، ریشه های قومی، تصورات حزبی، وسایل ارتباط جمعی، طبقه اجتماعی و دین. به زعم وی هر کدام از این عوامل بر چگونگی رفتار رأی دهندگی افراد تأثیر می‌گذارند (طیبی نیا و نقدی، ۱۳۹۱: ۶۳).

هر چند نظریات آلموند و وربا در ارتباط با فرهنگ سیاسی مطرح شده است ولی مرور آن می‌تواند مفید باشد. آن دو بر عوامل فرهنگی تأکید می‌کنند و شرط اصلی کارایی یک حکومت دموکراتیک را وجود فرهنگ و زندگی مدنی می‌دانند (پاتنام، ۱۳۸۹: ۱۴).

۲-۳ - نظریه های اعتماد اجتماعی

لومان^۱ میان دو مفهوم اعتماد و اطمینان، تفاوت اساسی قایل شده و معتقد است اعتماد با مفهوم ریسک و مخاطره پذیری، ارتباط نزدیک دارد و در دوران اخیر مطرح شده است. لومان از دیدگاهی خاص، به بررسی اعتماد می‌پردازد که کمتر مورد توجه سایر نظریه پردازان واقع شده؛ به این معنا که او کارکرد اعتماد اجتماعی را در درون سیستم اجتماعی بررسی میکند و با نظم در جامعه مقایسه می‌کند. به اعتقاد وی، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی، این است که عدم تعین اجتماعی را کاهش و به این ترتیب باعث افزایش قابلیت پیش بینی رفتارها می‌شود. اعتماد، در واقع، یک نوع مکانیسم اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتارها تنظیم و هدایت می‌شود. لومان معتقد است که همکاری و مشارکت در کلیه ی سطوح جامعه از تبعات اعتماد به یکدیگر است و خود، تقویت کننده ی اعتماد به دیگران است (گیدنز، ۱۳۷۷؛ به نقل از: عباس زاده، ۱۳۸۳: ۲۷۲).

آنتونی گیدنز^۲ جامعه‌شناس مطرح معاصر انگلیسی است. به طور کلی نظریات وی در مورد اعتماد را می‌توان به چهار بخش تقسیم کرد:

الف) اعتماد و امنیت وجودی: که مربوط به دوران کودکی است و با آنچه اریکسون آن را اعتماد بنیادی می‌نامد، مطابقت دارد (علی پور، ۱۳۸۸: ۱۱۲). ب) اعتماد به نظام‌های انتزاعی و تخصصی: گیدنز نظام‌های انتزاعی را نظام‌های انجام کار فنی یا مهارت تخصصی می‌داند که حوزه‌های وسیعی از محیط مادی و اجتماعی زندگی کنونی ما را تشکیل می‌دهد (گیدنز، ۱۳۹۳: ۳۴). ج) اعتماد در روابط شخصی: در دوران پیشامدرن، روابط شخصی تابع ضوابط بیرونی همچون تعهدات خویشاوندی بود، در حالیکه در دوران مدرن روابط شخصی که بیشتر به صورت رابطه ناب در می‌آید، وابسته به اعتماد متقابل است که آن را باید به وجود آورد و اعتماد طرف مقابل را جلب کرد. د) زمینه‌های اعتماد در دوران پیشامدرن و مدرن: گیدنز اعتماد را از مولفه‌های اصلی مدرنیته می‌داند (گیدنز، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۲۴).

پیوتر زتومکا^۳ با توجه به جهانی شدن و فرایند پویای وابستگی متقابل جهانی، دو مقوله اعتماد و همکاری را به‌عنوان یکی از پیش‌فرض‌های اساسی در رویارویی با تحولات جهانی ذکر کرده است و نیز با پرداختن بیشتر به مساله اعتماد،

1. Luhmann

2. Anthony Giddens

3. Piotr Sztompka

مخاطره را نیز به دنبال آن ذکر کرده است. به نظر زتومکا، اعتماد در متن کنش‌های انسان، که مهم‌ترین ویژگی آن‌ها جهت‌گیری معطوف به آینده است، نمود پیدا می‌کند. هر چه میزان کنترل ما بر کنش‌های آینده کمتر باشد، نیاز ما به اعتماد بیشتر می‌شود. اعتماد کردن یعنی شرط بستن بر آینده نامعین و کنش‌های غیرقابل کنترل دیگران که همیشه همراه با مخاطره است. زتومکا سطوح اعتماد را به صورت لایه‌هایی در نظر می‌گیرد که از عینی‌ترین روابط میان اعضای خانواده شروع شده و تا انتزاعی‌ترین روابط مانند اعتماد به نظم اجتماعی، کارایی نظام و ... ادامه دارد (عباس زاده، ۱۳۸۳: ۲۷۳).

جیمز کلمن از منظر کنش عقلانی به موضوع اعتماد، توجه می‌نماید و معتقد است که اعتماد نوعی انتظار است که در بر اساس محاسبه سود و زیان بدست می‌آید که توسط انسان‌های محاسبه‌گر و عقلانی نسبت به فرد یا گروهی از افراد یا سازمان‌ها بر آورده می‌شود. کلمن در بحث بر روی نظام‌های اعتماد، این نظام‌ها یا روابط را متضمن وجود دو یا سه کنشگر می‌داند ولی در سطح کلان، تحلیل پدیده‌ها را مستلزم فرارفتن از تعداد محدود و در نظر گرفتن تعداد زیادی از افراد می‌داند. کلمن در اینجا از دو نوع سیستم بزرگتر یاد می‌کند، نوع اول، اجتماعی است که از روابط به هم پیوسته اعتماد متقابل تشکیل شده و نوع دوم سیستمی است که از روابط اعتماد مشورتی ساخته شده است (کلمن، ۱۳۹۰: ۲۸۷).

راجرز^۱ عنصری همچون بی اعتمادی متقابل در روابط شخصی را در کنار عناصری چند به عنوان ویژگی‌های خرده فرهنگ دهقانی مانع مشارکت می‌داند. به نظر راجرز یکی از ویژگی‌های مهم جوامع سنتی، عدم اعتماد متقابل، بدگمانی و حيله‌گری در روابط با یکدیگر است. همچنین تصور خیر محدود سبب عدم اعتماد در روابط شخصی می‌شود. چون چیزهای مطلوب در زندگی به میزان محدود و کمی وجود دارد؛ به سخن دیگر منابع محدود و خواسته‌ها نامحدود است و با توجه به قدرت و توانایی افراد میزان آنها را به سادگی نمی‌توان افزایش داد، بنابراین دستیابی عده‌ای به این منابع سبب محرومیت دیگران از آنها می‌شود، و همین مسئله سبب بدگمانی افراد نسبت به یکدیگر خواهد شد (موسوی، ۱۳۸۴: ۵۰). نظریه‌ی خیر محدود فاستر نیز در همین راستا است. فاستر معتقد است که مبنی وجود فضایی آکنده از خصومت و بی‌اعتمادی است که موجب می‌شود افراد هرگز نتوانند به روش مشارکتی با یکدیگر همکاری کنند (غفاری و نیازی، ۱۳۸۶: ۴۸).

کلاوس اوفه^۲ معتقد است که اعتماد شرط اساسی نظم اجتماعی در کنار ساز و کارهای مالی، اقتدار سیاسی و دانش است به اعتقاد او پول، اقتدار سیاسی و دانش نمی‌تواند به تنهایی هماهنگی اجتماعی را ایجاد کنند. این ناشی از این موضوع است که هماهنگی موفقیت‌آمیز به همکاری بستگی دارد. همکاری نیز به ادراکات، تمایلات و انتظاراتی وابسته است که افراد را به همکاری ترغیب می‌کنند (اوفه، ۱۳۸۴، ۲۳۷-۲۰۵).

افه اعتماد اجتماعی را از طرق گوناگون و جنبه‌های گوناگونی قابل بررسی می‌داند شامل:

- اعتماد شهروندان به همشهری خود یا مقوله دنیای دیگران
- اعتماد به نخبگان سیاسی یا نخبگان دیگر بخش‌ها (پلیس، قضات، پزشکان، ارتش)
- اعتماد نخبگان به یکدیگر و نخبگان دیگر بخش‌ها از قبیل بخش‌های تجاری، کارگری، دینی، دانشگاهی و..
- اعتماد سطوح بالا به سطوح پایین جامعه که در آن نخبگان، درباره گرایش‌های رفتاری عناصر بخش‌های مختلف جامعه به باورهای دست می‌یابند (خاکباز و پویان، ۱۳۸۴: ۲۰۶).

1 . Rogers

2 . Claus Offe

از دید اوفه نهادها و کیفیت نهادی می‌تواند زمینه‌ساز اعتماد به افرادی باشند که هرگز با هم تماس نداشته‌اند به نظر او معنای درونی نهادها و قدرت اقناع مشهود و اخلاقی آنها است که آنها نوعی را تشویق می‌کند همچون من به هنجارها و ارزش‌هایی که این نهادها نماینده آن هستند پایبند باشند و بدین ترتیب این شهروندان را به هم میهن‌نان سزاوار اعتماد و واقعاً معتمد تبدیل می‌کند (خاکباز و پویان، ۱۳۸۴: ۲۴۷).

از نظر اینگلهارت^۱ وضعیت‌های متضمن اعتماد، طبق‌های فرعی از وضعیت‌هایی را در بر می‌گیرند که متضمن ریسک است. در این وضعیت‌ها، ریسکی که فرد می‌پذیرد، به عملکرد کنشگر دیگری بستگی دارد. در رابطه‌ی دارای اعتماد، دو مؤلفه موجود است: اعتماد کننده و امین (فرد مورد اعتماد) که هر دو هدفمند بوده و هدف آنها تأمین منافعشان است، صرف نظر از اینکه این منافع چه باشد. باید فرض کرد هر فرد کنشگری هدفمند است و باید کوشش کرد کنش‌های هر کنشگر را به صورت کنش‌های معقول تحت تأثیر هدف‌هایی تبیین کرد که کنشگر در چنین وضعیتی ممکن است داشته باشد. تصمیم اعتماد کننده بالقوه، تقریباً همیشه مسأله برانگیز است، تصمیم برای این که آیا به امین باید اعتماد کرد یا نه؟ (کلمن، ۱۹۸۸: ۱۵۳-۱۴۹).

۴- چارچوب نظری پژوهش

در پژوهش حاضر از نظریه‌های مختلفی استفاده شده است. اما تنها نظریه‌هایی که مبنای استخراج فرضیه پژوهش یعنی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی هستند چارچوب نظری را تشکیل می‌دهند.

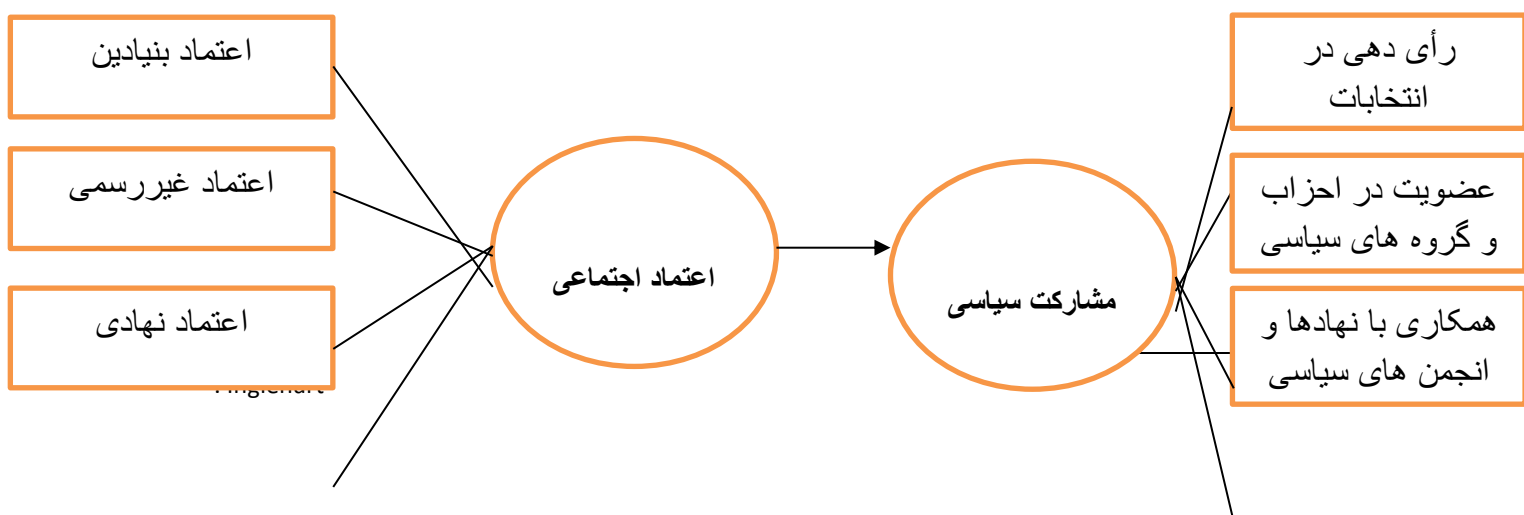
پاتنام عقیده دارد که سرمایه اجتماعی در قالب اعتماد مشارکت را تسهیل می‌بخشد و هرچه سطح آن در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال مشارکت هم بیشتر خواهد بود و مشارکت نیز متقابلاً ایجاد می‌کند (پاتنام، ۱۳۸۹: ۲۹۲).

به اعتقاد لومان، کارکرد اعتماد در نظام اجتماعی، این است که عدم تعین اجتماعی را کاهش و به این ترتیب باعث افزایش قابلیت پیش‌بینی رفتارها می‌شود. اعتماد، در واقع، یک نوع مکانیسم اجتماعی است که در آن انتظارات، اعمال و رفتارها تنظیم و هدایت می‌شود. لومان معتقد است که همکاری و مشارکت در کلیه‌ی سطوح جامعه از تبعات اعتماد به یکدیگر است و خود، تقویت کننده‌ی اعتماد به دیگران است (گیدنز، ۱۳۷۷؛ به نقل از: عباس زاده، ۱۳۸۳: ۲۷۲).

راجرز عنصری همچون بی‌اعتمادی متقابل در روابط شخصی را در کنار عناصری چند به عنوان ویژگی‌های خرده فرهنگ دهقانی مانع مشارکت می‌داند. به نظر راجرز یکی از ویژگی‌های مهم جوامع سنتی، عدم اعتماد متقابل، بدگمانی و حيله‌گری در روابط با یکدیگر است. همچنین تصور خیر محدود سبب عدم اعتماد در روابط شخصی می‌شود. چون چیزهای مطلوب در زندگی به میزان محدود و کمی وجود دارد (موسوی، ۱۳۸۴: ۵۰).

بنابراین از نظریه‌های پاتنام، لومان و راجرز این فرضیه اصلی استخراج می‌شود که:

- بین اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف و مشارکت سیاسی ارتباط وجود دارد.



مدل نظری پژوهش

۵- فرضیه های پژوهش

فرضیه اصلی

- بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

فرضیه های فرعی

- بین اعتماد بنیادین و مشارکت سیاسی شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.
- بین اعتماد غیررسمی و مشارکت سیاسی شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.
- بین اعتماد نهادی و مشارکت سیاسی شهروندان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.
- بین اعتماد تعمیم یافته و مشارکت سیاسی مردان شهر کرمانشاه ارتباط وجود دارد.

۶- روش شناسی تحقیق

تحقیق حاضر از نظر روش میدانی و با تکنیک پیمایش انجام گرفته است. همچنین این تحقیق از نظر هدف یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر، از نظر دامنه خرد و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی است. در این مطالعه برای جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری این مطالعه تمامی شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر کرمانشاه می باشد که تعداد آنها در حدود ۷۵۰ هزار نفر می باشد و بر اساس فرمول کوکران تعدادی از افراد (۳۸۴ نفر) که معرف جامعه آماری تشخیص داده شدند به عنوان حجم نمونه انتخاب و مطالعه شده است.

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{t^2 pq}{d^2} - 1 \right)}$$

$$N = 750000 \quad t = 1/96 \quad P = 0/5 \quad Q = 0/5 \quad d = 0/05$$

$$n = \frac{\frac{(1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2}}{1 + \frac{1}{750000} \left(\frac{(1/96) \times (0/5)(0/5)}{(0/05)^2} - 1 \right)} = 384$$

روش نمونه گیری در این پژوهش شیوه نمونه گیری دو مرحله ای با استفاده از نمونه گیری خوشه ای و سپس نمونه گیری تصادفی ساده می باشد. بدین صورت که تعدادی از محله های شهر کرمانشاه انتخاب و از هر مرحله به صورت تصادفی نمونه نهایی مورد مطالعه قرار گرفت. پس از گردآوری داده ها تجزیه و تحلیل آن ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS و Smart PLS انجام گردید و در این رابطه برای آزمون فرضیات، تست های آماری متناسب بکار گرفته شد.

۷- یافته ها

۲ - ۷- یافته های استنباطی

بررسی وضعیت نرمال توزیع داده ها

در راستای محاسبه نرمال بودن متغیرها آزمون تک نمونه ای کلموگروف - اسمیرنوف بکار برده شده است.

جدول ۴. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن متغیرهای پژوهش

| متغیرهای | اعتماد | اعتماد | اعتماد | اعتماد | مشارکت |
|---------------------------|---------|---------|--------|-------------|--------|
| تعداد | بنیادین | غیررسمی | نهادی | تعمیم یافته | سیاسی |
| ۳۸۴ | ۳۸۴ | ۳۸۴ | ۳۸۴ | ۳۸۴ | ۳۸۴ |
| مقادیر کلموگروف- اسمیرنوف | ۳/۰۳ | ۲/۱۹ | ۲/۵۲ | ۲/۷۵ | ۳/۲۵ |
| سطح معناداری (دو دامنه) | ۰/۱۹ | ۰/۱۴ | ۰/۰۸ | ۰/۰۷ | ۰/۰۹ |

یافته های حاصل از بررسی داده ها در جدول شماره ۴ نشانگر آن است که با توجه به اینکه سطح معناداری تمامی متغیرها بالاتر از ۰/۰۵ می باشند پس توزیع داده ها نرمال بوده و باید از آزمون های پارامتریک استفاده کرد. آزمون فرضیه ها

- بین ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی (اعتماد بنیادین، اعتماد غیررسمی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم یافته) با مشارکت سیاسی ارتباط وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه های فوق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است:

جدول ۵. آزمون همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

| مشارکت سیاسی | | شاخص ها | نام متغیر |
|--------------|--------------|----------------|----------------|
| سطح معناداری | ضریب همبستگی | | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۹ | اعتماد بنیادین | اعتماد اجتماعی |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۲ | اعتماد غیررسمی | |
| ۰/۰۰۱ | ۰/۴۲ | اعتماد نهادی | |

| | | | |
|-------|------|-------------------------|--|
| ۰/۰۰۱ | ۰/۳۴ | اعتماد تعمیم یافته | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۳۸ | میزان کل اعتماد اجتماعی | |

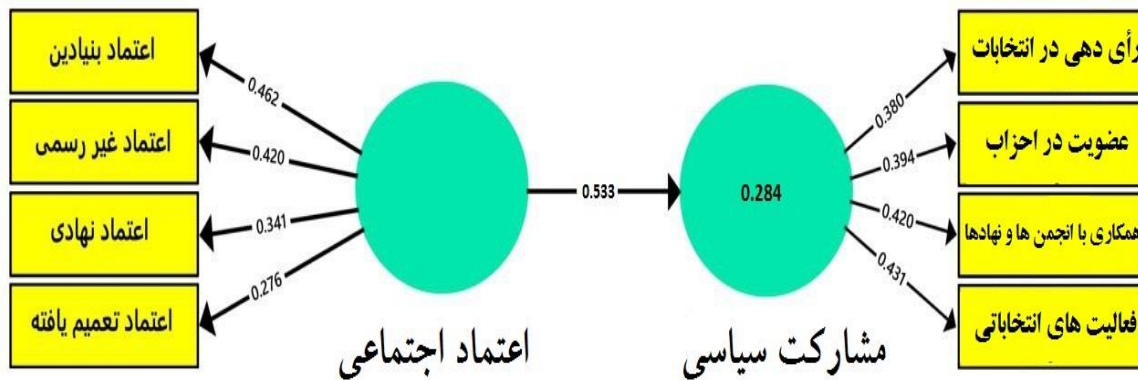
یافته ها نشان می دهد که میزان کل اعتماد اجتماعی و تمامی شاخص های آن دارای ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار با مشارکت سیاسی می باشد. در این راستا ارتباط بین اعتماد نهادی با مشارکت سیاسی ($P=۰/۴۲$) بالاترین ضریب همبستگی را دارا بوده و همچنین کمترین همبستگی بین متغیر اعتماد غیررسمی و مشارکت سیاسی ($P=۰/۳۲$) مشاهده می گردد.

همچنین بین اعتماد بنیادین ($P=۰/۳۹$) و اعتماد تعمیم یافته ($P=۰/۳۴$) با مشارکت سیاسی از دیدگاه شهروندان شهر کرمانشاه همبستگی مثبت و معنادار مشاهده می گردد. بنابراین در جمع بندی نهایی می توان گفت که هر چه میزان کل اعتماد اجتماعی ($P=۰/۳۸$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان مشارکت سیاسی بیشتر می شود و بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش حاضر تأیید می شوند.

مدل معادله ساختاری (Smart PLS)

به منظور تعیین شدت و جهت بررسی تأثیر ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی در بین شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر کرمانشاه از یک مدل معادله ساختاری بهره گرفته شده است. برآوردهای مربوط به شاخص های ارزیابی کلیت مدل ساختاری و پارامترهای اصلی این مدل (اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:

شکل ۱: مدل معادله ساختاری اثر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی



جدول ۶. برآورد شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

| شاخص | GOF | SRMR | NFI |
|-------|------|-------|------|
| مقدار | ۰/۸۱ | ۰/۰۸۲ | ۰/۹۰ |

شاخص های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری در مجموع بیانگر این است که داده ها مدل نظری پژوهش را حمایت می کنند، به عبارت دیگر برازش داده ها به مدل برقرار است و شاخص ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۷. برآورد اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی

| متغیر مستقل | مسیر | متغیر وابسته | ضریب تعیین | ضریب اثر | مقدار بحرانی | سطح معناداری |
|----------------|------|--------------|------------|----------|--------------|--------------|
| اعتماد اجتماعی | <--- | مشارکت سیاسی | ۰/۲۸۴ | ۰/۵۳۳ | ½ | ۰/۰۰۱ |

مقادیر برآورد شده در جدول بالا بیانگر این است: (۱) متغیر اعتماد اجتماعی در مجموع (۰/۵۳) از واریانس متغیر مشارکت سیاسی را تبیین می کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط (۰/۲۸) برآورد می شود، به عبارت دیگر متغیر اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر مشارکت سیاسی در بین شهروندان را دارد. (۲) اثر متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی به لحاظ آماری معنادار است.

عوامل متعددی می توانند بر مشارکت سیاسی در بین افراد یک جامعه تأثیرگذار باشد که از جمله آنها اعتماد اجتماعی می باشد. رابطه ی اعتماد متقابل در تعاملات اجتماعی با مشارکت تا بدان حد است که می توانیم بگوئیم که اگر اعتماد در میان اعضای جامعه نباشد و یا اندک باشد تعاملات و روابط میان افراد جامعه از تنظیم خارج می شود و روابط پایدار میان اعضای جامعه کمتر برقرار می شود. در این بین وجود اعتماد و مشارکت متقابل بر شکل گیری تعاملات و تداوم آن امری ضروری به نظر می رسد و در مقابل فقدان آنها روابط میان افراد را بدان سوی متمایل می سازد که هر کسی تنها به طور افراطی در اندیشه نفع شخصی خویش باشد و به منافع همگانی کمتر عنایت کند.

با توجه به اهمیت و ضرورت بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی در پژوهش حاضر به تحلیل و بررسی ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی چون اعتماد بنیادین، اعتماد غیررسمی، اعتماد نهادی و اعتماد تعمیم یافته به عنوان متغیرهای مستقل و رابطه آن با مشارکت سیاسی در شهر کرمانشاه به عنوان متغیر وابسته پرداخته شد.

یافته ها نشان می دهد که میزان کل اعتماد اجتماعی و تمامی شاخص های آن دارای ارتباط مثبت و مستقیم و معنادار با مشارکت سیاسی می باشد. در این راستا ارتباط بین اعتماد نهادی با مشارکت سیاسی ($P=0/42$) بالاترین ضریب همبستگی را دارا بوده و همچنین کمترین همبستگی بین متغیر اعتماد غیررسمی و مشارکت سیاسی ($P=0/32$) مشاهده می گردد.

همچنین بین اعتماد بنیادین ($P=0/39$) و اعتماد تعمیم یافته ($P=0/34$) با مشارکت سیاسی از دیدگاه شهروندان شهر کرمانشاه همبستگی مثبت و معنادار مشاهده می گردد. بنابراین در جمع بندی نهایی می توان گفت که هر چه میزان کل اعتماد اجتماعی ($P=0/38$) و ابعاد آن بیشتر شود میزان مشارکت سیاسی بیشتر می شود و بنابراین تمامی فرضیه های پژوهش حاضر تأیید می شوند.

نتایج حاصل از مدل معادله ساختاری (Smart PLS) نیز نشان دادند که متغیر اعتماد اجتماعی در مجموع ($0/53$) از واریانس متغیر مشارکت سیاسی را تبیین می کند، با مدنظر قرار دادن مقادیر مربوط به حجم اثر شاخص ضریب تعیین این مقدار در حد متوسط ($0/28$) برآورد می شود، به عبارت دیگر متغیر اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر مشارکت سیاسی را دارد.

یافته های پژوهش حاضر با یافته های پژوهش های حسنی (۱۳۹۹)، شوهانی و شوهانی (۱۳۹۸)، باقری و دیگران (۱۳۹۷)، عبداللهیان و کرمانی (۱۳۹۴) و سبزه ای و رحیمی (۱۳۹۲) همخوانی دارد. هرکدام از پژوهشگران فوق در نتایج خود به نحوی به ارتباط بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی پی بردند. یافته هایی که همخوان با پژوهش حاضر است. همچنین یافته های پژوهش با تئوری های پاتنام، لومان و راجرز همخوانی دارد. هرکدام از اندیشمندان فوق در تئوری های خود به نقش اعتماد اجتماعی در افزایش مشارکت اشاره کرده اند و عقیده دارند که اعتماد اجتماعی از طریق بالا بردن افزایش منابع و توانایی های افراد باعث افزایش مشارکت سیاسی در بین مردم می شود.

بنابراین مشاهده می شود که اعتماد اجتماعی یکی از منابع و پیش شرط های اصلی مشارکت و همکاری است و با افزایش اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف میزان مشارکت سیاسی افزایش پیدا می کند. اعتماد تمایل مردم را به تعامل و همکاری با گروه ها افزایش داده و شبکه ای از روابط داوطلبانه بین گروه ها را در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی تشکیل می دهد. بدین ترتیب که اعتماد مانند شیرازه ای است که افراد جامعه را به هم پیوند می دهد و از انفصال و پراکندگی آنها جلوگیری می کند.

- آلموند، گابریل و پاول، بینگهام. (۱۳۸۱). چهارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی. ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ازکیا، مصطفی و حسنی راد، کریم. (۱۳۸۸). نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح های توسعه روستایی. پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۱، بهار.
- اوفه، کلاوس. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی. چگونه می توان به شهروندان اعتماد داشت؟ ترجمه کیان تاجبخش، تهران: انتشارات شیرازه.
- باقری، معصومه؛ حسین زاده، علی حسین؛ شجاعی، حسن؛ (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، احساس بی قدرتی، وفاق اجتماعی، پیوند اجتماعی) بر مشارکت سیاسی زنان استان خوزستان (مطالعه موردی: شهر اهواز). فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره ۱۲، شماره ۳، ۶۲-۲۹.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۸۹). دموکراسی و سنت های مدنی (سرمایه اجتماعی و سنت های مدنی در ایتالیای مدرن). ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: نشر روزنامه سلام.
- جعفری نژاد، مسعود؛ کلانتری، صمد و نورمحمدیان، مژگان. (۱۳۸۸). بررسی میزان مشارکت زنان شاغل در آموزش و پرورش ناحیه ی یک شهر شهرکرد. جامعه شناسی کاربردی، سال بیستم، شماره پیاپی (۳۳)، شماره ۱۰.
- خاکباز، افشین، حسن پویا، (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی: اعتماد، مردم سالاری و توسعه. تهران: نشر شیرازه.
- راش، مایکل. (۱۳۹۳). جامعه و سیاست، مقدمه ای بر جامعه شناسی سیاسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات سمت.
- ربیعی، علی. (۱۳۸۰). جامعه شناسی تحولات ارزشی، نگاهی به رفتار شناسی رأی دهندگان در دوم خرداد ۱۳۷۶. تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- سبزه ای محمدتقی، رحیمی پرویز. (۱۳۹۲). بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی در بین شهروندان نورآباد دلفان (استان لرستان). پژوهش های جامعه شناسی معاصر: تابستان، دوره ۱، شماره ۲.
- شوهانی، احمد و شوهانی، نادر. (۱۳۹۸). سنجش و تحلیل میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مردم (مطالعه موردی: شهر ایلام). پژوهش های سیاسی جهان اسلام، دوره: ۹، شماره: ۴.
- طیبی نیا، موسی و نقدی، اسدالله. (۱۳۹۱). بررسی مشارکت سیاسی دانش آموزان و عوامل مرتبط با آن. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی جوانان، سال سوم، شماره ۷، پاییز. ۸۰ - ۵۷.
- عباس زاده، محمد. (۱۳۸۳). عوامل مؤثر بر شکل گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان. رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵.
- عبداللهیان، حمید و کرمانی، حسین. (۱۳۹۴). تبیین رابطه سرمایه اجتماعی کاربران ایرانی در شبکه اجتماعی فیس بوک و مشارکت سیاسی در دنیای واقعی. مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران دوره چهارم زمستان ۱۳۹۴ شماره ۴ (پیاپی ۱۶).
- علی پور، پروین و همکاران، (۱۳۸۸). اعتماد و مشارکت، بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت در شهر تهران. مجله جامعه شناسی ایران، تابستان، دوره دهم، شماره ۲، ص ۱۱۶.
- غفاری، غلامرضا و نیازی، محسن. (۱۳۸۶). جامعه شناسی مشارکت. تهران: نزدیک.

- قوام، عبدالعلی. (۱۳۹۳). چالش های توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس.
- کلمن، جیمز. (۱۳۹۰). بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- مصطفی پورکندلوسی، بیژن و کشوری محبوب، فاطمه. (۱۳۹۸). مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان، ضرورتها و راهبردها، چهارمین کنفرانس ملی رویکردهای نوین در آموزش و پژوهش، محمودآباد.
- نوروزی، فاطمه. (۱۳۹۹). مشارکت سیاسی زنان. نخستین کنفرانس ملی حقوق. شیراز: فقه و فرهنگ.
- وثوقی، منصور و حیدری، سعیده. (۱۳۹۰). بررسی میزان اعتماد اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه های شهر ایلام و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن. فصلنامه جامعه شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره ۳، پاییز.
- یوسفوند، حسن رضا و درستی، امیرعلی و حمیدیان، اکرم. (۱۳۸۵). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد و سرمایه اجتماعی در دو شهر شهرضا و اصفهان، مجموعه مقالات همایش منطقیهای سرمایه اجتماعی، چالش ها و راه کارها، معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.
- Jemna, V & M. Curelaru, (2009). Values and Students' Political Participation, Journal for The Study of Religions and Ideologies, 8, (24).
- Hoffman, A. and Dowd, R. (2014). Religion Gender and Political Participation in Africa Lessons from Nigeria Senegal and Uganda De: Lessons from Nigeria, Senegal and Uganda, Department of Political Science, University of Notre Dame.
- Skoric, Marko M., Deborah Ying, Ying Ng., (2009), "Bowling Online, Not Alone: Online Social Capital and Political Participation in Singapore", Journal of Computer-Mediated Communication, Vol. 14, No. 2.
- Suh, Hyungjun. (2014). Correlation between Social Capital and Political Participation: Considering National Economic, Political Development, and Economic Inequality. University of Arizona.
- Teney, C. & Hanquinet, L. (2017). High Political Participation, High Social Capital? A relational analysis of youth social capital and political participation. Social Science Research, 41(5), 1213-1226. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ssresearch.2012.03.012>.